

پروفسور فریدون شاملو از بازسازی بیمارستان امام رضا(ع) در دوره پهلوی دوم می‌گوید

ساختمان رادیولوژی به وقت نونواری



شادی شاملو

قرار بود ساعت ۳۰:۱۰ جلو پله‌های مطبی باشم که سال هاست درش بسته شده و دیگر تابلویی ندارد. پروفسور فریدون شاملو به وقت‌شناسی بسیار اهمیت می‌دهد و ثانیه‌ای تأخیر را نمی‌بخشد. با اولین زنگ، در قهوه‌ای فلزی به رویم باز می‌شود و وارد اتاقی می‌شوم که دورتادورش پر از کتاب‌های خطی است. پشت میز می‌نشینیم. روی جاکتابی، عکس‌های پدربزرگش، غلامعلی شاملو، ملقب به صدراالطیبا با مدال هایی که به سینه‌اش زده شده است و پدرش، دکترعلی شاملو، خودنمایی می‌کند.

از پروفسور می‌خواهم درباره بیمارستان امام‌رضا(ع) (شاهرضای سابق) برایم بگوید که تصویرش در پوستر کوچکی که قاب‌شده است روی یکی از قفسه‌ها قرار دارد.

زمان ریاست پروفوسورشاملو بر بیمارستان، بین سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ عنوان شده است. شروع به صحبت می‌کند؛ «وقتی ریاست دکترسیروس معتمدی تمام شد، از من که تازه تأسیس بیمارستان قائم (شهناز) را تمام کرده بودم، خواستند به بیمارستان شاهرضا برسم. بیمارستان آن دوران، بیشتر شبیه مخروبه بود. سالیان زیادی می‌گذشت که هیچ توجهی به وضعیت ساختمان نشده بود؛ بخش‌هایی تخریب شده و اتاق‌هایی هم دیگر قابل استفاده نبودند.

همچنین مراجعان بسیار زیاد و مصدومانی که از راه می‌رسیدند، جایی برای پذیرششان وجود نداشت؛ در نتیجه روی زمین آلوده و کثیف می‌خوابیدند تا نوبت به معاینه‌شان برسد.

با صحبت و اجازه از رؤسای دانشگاه به‌ویژه دکترقوام نصیری که آن زمان ریاست دانشگاه را به‌عهده داشت، قرار شد بودجه‌ای به تعمیرات و نوسازی بیمارستان تعلق بگیرد و همراه هزینه‌اش تأمین بشود. مسائل مالی به من ربطی نداشت و من هیچ دخالتی در آن نداشتم. تنها با تعداد زیادی کارگر و بنا، به‌صورت شبانه‌روزی شروع به تعمیر بیمارستانی کردیم که به‌جزرقضای داخلی، در نمای بیرونی هم دچار آسیب‌های جدی شده بود. مثلاً آجرها کنده شده، پله‌ها شکسته یا از بین رفته بودند.»

پروفسور نفسی تازه می‌کند و ادامه می‌دهد: «متأسفانه در این مدت، روزبه‌روز تعداد مراجعه‌کنندگان بیشتر می‌شد و باز هم بیماران روی زمین می‌خوابیدند و دکترها باید روی زمین می‌نشستند و فقط امکان معاینه سطحی وجود داشت. اولین کارمان، مربوطبه همین بخش می‌شد. کارها رو به پیشرفت بود و توانستیم بیماران را به بخش مرمت‌شده بفرستیم. از اطبا خواسته بودم رأس ساعت ۸ در بیمارستان حاضر باشند. بیماران به نوبت، بستری، معاینه و رسیدگی می‌شدند. اگر نیاز بود به‌صورت سرپایی تحت درمان قرار می‌گرفتند تا برای مراجعه‌کنندگان بعدی جا باشد. به‌تدریج دیگر ازدحامی وجود نداشت و دیگر کسی روی زمین نمی‌خوابید تا معاینه شود.»

پروفسور بلند می‌شود و پوشه‌ای را از پشت سرش برمی‌دارد تا عکس‌هایی را نشان دهد که مربوط به بخش‌های آسیب‌دیده ساختمان در آن زمان است؛ سپس ازتعمیر بخش‌ها،نوبت به اتاق‌های عمل رسید که کاملاً قدیمی، فرسوده و کاشی‌هایش همه لقی شده بود. دست‌شویی‌های شکسته و رنگ‌گرفته و تخت‌های خراب و چراغ‌های قدیمی و... همگی عوض شدند. داخل بنا را که کاملاً نوسازی کردیم، نوبت به نمای ساختمان آن بخش رسید. بیمارستان از زمان افتتاح به دست اسدی و پهلوی اول، همان بود که بود، آن چنان که گنبد زیبای ساختمان از هم پاشیده بود. پس از این، سراغ زیرزمین‌های بیمارستان رفتیم که به مدت چهل سال تخلیه نشده بود؛ طی آن همه سال آنجا انبار شده بود. همه‌چیز گندیده، پوسیده، پیک‌زده بوی نا و رطوبت گرفته بود. وضع بسیار اسف‌باری بود. همه بخش‌های زیرزمین کاملاً تخلیه، تمیز و شسته و مجدداً رنگ‌آمیزی و پنجره‌ها نیز عوض شد. در ادامه بخشی از فضای بیمارستان را تبدیل به داروخانه مرکزی کردیم، تا آن روز بیمارستان برای خود، داروخانه‌ای نداشت.»

او می‌افزاید: «برای بخش دیگری، راه‌پله‌ای به طبقات همکف تعبیه کردیم که تبدیل به کلاس‌های درس و مکانی برای استادان شد. ضمن تمیزکاری و بازسازی زیرزمین در انتهای سمت چپ ساختمان هم مقدار زیادی عکس‌قاب‌گرفته از زمان افتتاح بیمارستان پیدا کردیم که روی هم ریخته شده بودند؛ آن‌ها را برای نمایش افتتاح مجدد بیمارستان که قرار بود در فروردین سال ۱۳۵۶ باشد، کنار گذاشتیم. نوبت به بخش آناتومی و پاتولوژی رسید که تحت ریاست آن تبدیل به داروخانه نصیری و دکترعلوی بود. تعمیرات آن قسمت که تمام شد، سراغ قسمت‌هایی رفتیم که وجود نداشت؛ با اینکه بیمارستان در اختیار دانشگاه بود، هیچ توجهی به دانشجویان نشده بود.

ما علاوه بر همه این کارها، شروع به ساختن آشپزخانه مرکزی و ستوران کردیم. همچنین خوابگاه مرکزی، سالن کنفرانس و کتابخانه که دانشجویان به‌راحتی بتوانند به همه‌چیز دسترسی داشته باشند. تا آن زمان چنین بخش‌هایی وجود خارجی نداشت. این‌طور بگویم، اوضاع آن قدر بد بود که متأسفانه تا آن زمان، اگر کسی در بیمارستان به هر علتی فوت می‌کرد، مکانی برای نگهداری‌اش وجود نداشت. در هر سوراخی، یک جنازه (مرده یا جسد) را رها کرده بودند تا خانواده‌اش بیاید و تحویلش بگیرد. برای همین هم در قسمت انتهایی بیمارستان سردخانه‌ساختیم تا متوفیان را در آن جای بدهیم و مسجدی بنا شد تا افرادی که برای تحویل عزیزشان می‌آیند، مراسم مختصری برای کفن‌ودفن انجام دهند. تا از خاطر مرفته است بگویم، ساختمان دیگری که روبه‌روی بخش رادیولوژی قرار داشت، کاملاً مخروبه شده بود؛ آن را دوباره ساختیم و به سالن کنفرانس تبدیل کردیم. از دکتر داوودی و همکارانشان خواستم به بازسازی و تعمیر بخش‌های رادیولوژی برسند. تعمیرات تقریباً تمام شده بود و زمان افتتاح مجدد رسید. بیمارستان که نونوار شد، شخص اول مملکت با همرا هانش برای دیدار آمد و دستوراتی برای تخصیص خرید لوازم جدید مثل سی‌تی‌اسکن داد ولی چون روزهای آخر سلطنتش بود، محقق نشد. کم‌کم اعتصابات و تظاهرات دانشجویان شروع شد و حمله به بیمارستان رخ داد. ریاست من هم به پایان رسید و برای ساختن و تجهیز بیمارستان امید (مرکز درمانی رضای سابق) شروع به کار کردم تا اینکه پس از پیروزی انقلاب همه‌چیز به‌مرور به رونق گذشته برگشت و بهتر شد.»

این گفت‌وگو در ۹ شهریور ۱۴۰۱ منتشر شده است



حسین بیات | «شاهرضا» پیش از آنکه نام بیمارستان تازه‌افتتاح‌شده مشهد به تاریخ ۲۴مهر ۱۳۱۳ در بیابان‌الندشت باشد، روی دارالشفای حضرتی امام‌رضا^(ع) در باغ هشت‌آباد نشست. ماجرا از این قرار است که دستور تبدیل دارالشفا به بیمارستان و انجام اصلاحات اساسی در آن سال ۱۳۰۵ صادر شد و دارالشفا به بیمارستان شاهرضا تغییرنام داد. به گزارش شماره ۵۶ روزنامه آزادی، مورخ شانزدهم آذر ۱۳۰۹، بیمارستان شاهرضا از فروردین تا آبان این سال فعال بوده است و ۲۲۴ نفر به قسمت طبی آن وارد شده‌اند که ۲۶۹ نفرشان صحت یافته و مرخص شده‌اند. این روزنامه در ادامه «عملیاتی اولیا بیمارستان و مواظبت آقایان دکترها را در اجرای وظیفه خود بسیار مفید» می‌داند و ابراز امیدواری کرده است: «زودتر عمارت مهم بیمارستان که در ایران بی نظیر است، خاتمه یابد.»

← **نامی که از دارالشفا آمد**

این عمارت مهم که اینجا ذکرش رفته، دو سال پیش از آن کارش شروع شده است. ماجرا به وقتی برمی‌گردد که مهندس میرزا کریم‌خان طاهرزاده بهزاد تبریزی در سوم شهریور ۱۳۰۷ برای ساخت آرامگاه فردوسی وارد مشهد شد تا مطابق نقشه‌ای که چند ماه پیش توسط انجمن آثار ملی برگزیده شده بود، کار بنای آرامگاه را شروع کند. همان‌جا محمدولی‌خان اسدی، نایب‌التولیه آستان قدس، از او خواست که نقشه‌ای هم برای بیمارستان جدید ترسیم کند. طاهرزاده بهزاد در کتاب «نهضت هنری زمان رشاهه پهلوی» در این‌باره می‌نویسد: «نقشه‌ای که مطابق احتیاجات اداری در سه اشکوب تهیه شده بود، به تصویب رسید و پیمان‌نامه‌ای که این‌جانب بدون توجه و وقت‌کافی آن را امضا کردم، به تاریخ ۲۰مهر ۱۳۰۷ از طرف آقای اسدی، محمود (چ‌والی خراسان) و (سرتیپ اسان...) جهانبانی (فرمانده لشکر شرق) امضا شد.» طبق این پیمان‌نامه بنا بود که بیمارستان از مهر ۱۳۰۷ تا اسفند ۱۳۰۸ ساخته شود. طاهرزاده بهزاد می‌نویسد: «در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۰۷ با تشریفات آبرومندانه‌ای از این‌جانب تجلیل شده و در باغ مستوفی کلنگ به‌زمین زده شد و از فردای کنی آغاز گردید.»

عملیات پی‌کنی و خاک‌برداری با حضور طاهرزاده بهزاد ادامه داشت تا اینکه او به تهران رفت: «در تاریخ ۱۳۰۷/۹/۲۲ با کمال تعجب از طرف دربار شاهنشاهی به مسابقه طرح نقشه بیمارستان شاهرضا دعوت شدم. من به این اقدام اعتراض کرده و نوشتم (به درخواست) نایب‌التولیه ووالی و فرمانده خراسان در چند ماه قبل نقشه بنای بیمارستان را ترسیم کرده‌ام و پی‌سازی آن خاتمه یافته و من چندین‌ماه برای آن زحمت کشیده‌ام. ولی به من پاسخ دادند که اگر شما با آقای اسدی پیمان بسته‌اید، امری است علی‌حده، اما دربار شاهنشاهی تصمیم گرفته است یک بنای بسیار آبرومندی بسازد و اگر شما هم مایل باشید، می‌توانید در مسابقه شرکت کنید.» این‌گونه است که طاهرزاده ناچار در ۱۰ فروردین ۱۳۰۸ اولین نقشه‌ها را به کمیسیون تسلیم کرد. پس از چهار نوبت تغییر نقشه و تغییر جانمایی ساختمان‌های مدنظر بیمارستان، نقشه‌های طاهرزاده برنده مسابقه شد و در تاریخ ۱۳۰۸/۸/۲۲ تصویب آن‌ها ابلاغ شد.

طاهرزاده بهزاد بار دیگر راهی مشهد شد و بنای بیمارستان طبق نقشه جدید و این‌بار در زمین‌الندشت (موقوفه آستان قدس رضی) آغاز شد که در ۲۴مهر ۱۳۱۳ مقارن با هجده هزاره فردوسی توسط رشاهه افتتاح شد و همه بیماران و ائاثیه و لوازم بیمارستان شاهرضا یا همان دارالشفا که در این‌زمان موقتاً در باغ عشرت‌آباد بود، به شاهرضای جدید و بزرگ انتقال داده شد.

← **طاهرزاده بهزاد کیست؟**

مهندس میرزا کریم‌خان طاهرزاده بهزاد برادر کوچک‌تر نقاش معروف، حسین طاهرزاده بهزاد است که در سال ۱۲۶۷ در تبریز بود و پس از تسلیم محلات شهر، به مشروطه‌خواهان پیوست و سپس وارد فرقه اجتماع‌یون عامیون (سوسیال‌دموکرات) و عضو فداییان تبریز شد. او عهده‌دار سرپرستی مدافعان سنگر محله چرنداب تبریز بود و پس از تسلیم محلات شهر، به گروه محله امیرخیز به رهبری ستارخان پیوست. چندی بعد و پس از کشته‌شدن شمار زیادی از مشروطه‌خواهان، به‌ناچار ایران را ترک کرد و به استانبول رفت و در رشته معماری تحصیل کرد. او در فاصله سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۲۹۴ خورشیدی در شعبه معماری مدرسه صنایع طریقه‌ه استانبول

درباره بیمارستان تاریخی امام رضا^(ع) مشهد و ماجرای ساخته شدن آن

اثری ماندگار از مشروطه‌خواه تبریزی



عکس:حسین بیات/شهریار

از آجر اعلاست. اسلوب این عمارات نیز شرقی، ولی دارای مزایای تکنیک اروپایی است.»

همان‌طور که او نیز گفته، نقشه بیمارستان با بهره از معماری اروپای قرن نوزدهم دارای دو پلان اچ‌شکل (H) است که از حرف اول کلمه Hospital الهام گرفته است و با یک قسمت مرکزی بخش‌های مختلف را توسط راه‌رو یک‌طرفه بسیار بلند، به‌صورت کاملاً خطی به هم متصل می‌کند. با همین نشانه از نمای بالا، در زمان جنگ مانع از حمله به بیمارستان می‌شود.

← **بخشی که تخریب شده کجاست؟**

آن‌طور که روزنامه اطلاعات در ۲۵مهر ۱۳۱۳ گزارش داده است، بیمارستان علاوه بر قسمت‌های جراحی، امراض داخلی، امراض جلدی، امراض مسریه، امراض چشم، حلق و بینی و گوش، زایشگاه، رخت‌شویه‌خانه و پرورشگاه اطفال یک قسمت هم مخصوص رادیوتراپی و دارالتجزیه دارد که از قسمت‌های ممتاز و عالی بیمارستان است.

بخشی که تخریب شده، همین بخش رادیوتراپی و دارالتجزیه است که البته در چند نوبت تغییراتی به‌خود دیده است. نخستین تغییر مربوط به الحاق بخش سی‌تی‌اسکن است که در سال ۱۳۵۲ و دو سال قبل از مقاله‌نامه واگذاری نودساله بیمارستان به دانشگاه فردوسی مشهد توسط آستان قدس صورت گرفته و سازه‌ای به ضلع جنوبی بنا الحاق شده است. برای این بخش با قالب‌هایی که خود طاهرزاده بهزاد برای گذاشته، تاجی مشابه با بقیه بنا ساخته شده است که البته به ظرافت دیگر بخش‌ها نبوده و با کمی دقت قابل‌تشخیص است.

تغییر بعدی اما باتوجه‌به مصالح و شکل سازه مربوط به ضلع شمالی و سال‌های بعد از انقلاب است که البته زمان دقیقش مشخص نیست و احتمالاً به دهه ۷۰ برگردد. در حاشیه همین ضلع ساختمان، بنای ساختمان آم‌آرای بیمارستان احداث شده است. از این تغییرات که بگذریم، بنای قدیمی ساختمان رادیولوژی همان مصالح عمل و قسمت‌کالی، قسمت انفرادی و خصوصی، قسمت مبتلایان به امراض مسریه و قسمت مخصوص و زایشگاه، رخت‌شوی‌خانه و آشپزخانه و دواخانه، لابراتوار و قسمت مخصوص دفتر و قسمت مخصوص طبیب مقیم، مدرسه و مسجد و مغسل. همه عمارت‌ها دارای حرارت مرکزی و آب گرم و چراغ‌برق خواهد بود. اتاق‌ها نیز دارای کاشی سفید و فرش آن

و کردار خود عقیده محکم داشته باشد، کارهای او افزون‌تر و آشکارتر موردتوجه گروه فهمیده و دل‌آگاه قرار می‌گیرد... بسا شب‌ها در بیابان‌الندشت مورد حمله گرگ و جوجه‌تیغی و... قرار گرفته و با نیروی جوانی خم به ابرو نیاورده و جان به‌سلامت می‌بردم، ولی از حمله حیوانات ناطق سالم نماندم؛ و بارها تا دم‌مرگ رفته و فقط توجه امام هشتم^(ع) مرا نجات داد....»

← **ساختمانی با ویژگی‌های منحصر به فرد**

ساختمان بیمارستان شاهرضا که از ابتدا برای کاربری بیمارستان در نظر گرفته شده و شاید بتوان گفت نخستین بیمارستان دوران جدید پس از قاجار است. از لحاظ معماری اثری شاخص محسوب می‌شود. طاهرزاده توانسته است در این بنا از سبک‌های مختلف و ترکیب آزادی از همه جزئیات معماری با گرایش‌های مختلف عثمانی یا اوایل جمهوری ترکیه و معماری تاریخی ایران بهره‌گیرد. در ستون‌ها از آلمان‌های تخت جمشید استفاده شده و در جزئیات دست‌اندازهای بالای ساختمان معماری اواخر دوره عثمانی به‌کاررفته است. حتی در برخی دست‌اندازهای گلدانی از ویژگی‌های معماری اروپا نیز استفاده شده است. ضمن اینکه مصالح کار نیز همه‌اش از خود مشهد تأمین شده است. سنگ‌های بنا از معدن کوه خلج، سنگ‌های مرمر از معدن شام‌دیز و گچ و آجر آن نیز از همین شهر تأمین شده است.

محمدولی‌خان اسدی در گزارشی در زمان افتتاح بیمارستان می‌گوید: «این بیمارستان در بهترین اراضی و نقاط خارج شهر مشهد در زمینی به مساحت ۱۸ هزار مترمربع با گنجایش سیصد تخت‌خواب ساخته شده است و به تصدیق همه سیاحانی که تاکنون این بنا را دیده‌اند، در کل شرق بیمارستانی به این عظمت و ظرافت بنا وجود ندارد. بنای مرزبور هجده دستگاه عمارت به این شرح دارد: عمارت مخصوص مبتلایان به امراض داخلی و امراض جراحی، اتاق عمل و قسمت کالی، قسمت انفرادی و خصوصی، قسمت مبتلایان به امراض مسریه و قسمت مخصوص و زایشگاه، رخت‌شوی‌خانه و آشپزخانه و دواخانه، لابراتوار و قسمت مخصوص دفتر و قسمت مخصوص طبیب مقیم، مدرسه و مسجد و مغسل. همه عمارت‌ها دارای حرارت مرکزی و آب گرم و چراغ‌برق خواهد بود. اتاق‌ها نیز دارای کاشی سفید و فرش آن